

و قل لعبادي يقولوا الّٰٓهي اٰحسن  
 اِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ...  
 و به بند گانم بگو: «سخنی بگویند که بهترین باشد»  
 چرا که شیطان میان آنها فتنه و فساد می کند.

- در محضر بزرگان

بشریت هم به «اخلاق» نیاز دار

و هم به «حقوق»

استاد مطهری می فرماید: «یکی از تفاوت های روحیه شرقی و غربی در این است که شرق تمایل به اخلاق دارد و غرب به حقوق، شرق شیفته اخلاق است و غرب شیفته حقوق؛ شرقی به حکم طبیعت شرقی خودش انسانیت خود را در این می شناسد که عاطفه بورزد، گذشت کند، همنوعان خود را دوست بدارد، جوانمردی به خرج دهد اما غربی انسانیت خود را در این می ببند که حقوق خود را بشناسد و از آن دفاع کند و نگذارد دیگری به حریم حقوق او یا بگذارد. بشریت، هم به اخلاق نیاز دارد و هم به حقوق. انسانیت، هم به حقوق وابسته است و هم به اخلاق؛ هیچ کدام از حقوق و اخلاق به تنهایی معیار انسانیت نیست، دین مقدس اسلام این امتیاز بزرگ را دارا بوده و هست که حقوق و اخلاق را توأماً مورد عنایت قرار داده است. در اسلام همچنان که گذشت و صمیمیت و نیکی به عنوان اموری اخلاقی «مقدس» شمرده می شوند، آشنایی با حقوق و دفاع از حقوق نیز «مقدس» و انسانی محسوب می شود.» بر گرفته از کتاب «نظام حقوق زن در اسلام»، ص ۱۲۵

- زندگی بزرگان

## واکنش دکتر شیخ در برابر دزدی بیمار

یکی از افرادی که به مطب دکتر شیخ رفت و آمد داشته، راجع به اخلاق والای او در ارتباط با طیف های مختلف مردم خاطره ای را نقل می کند: «رفتم پیش دکتر شیخ. معاینه ام کرد. نشست پشت میز تا نسخه بنویسد. همان طور که دانش نسخه می نوشت، یک نفر که کنار میز ایستاده بود، آرام دست کرد توی قوطی که پول ویزیت های دکتر توی آن بود. می خواستم حرفی بزنم. هنوز توی هیر و ویر حرف زدن یا نتردن بودم که احساس کردم، دکتر هم زیرچشمی این صحنه را دید اما به روی خودش نیاورد. مرد که پایش را از مطب بیرون گذاشت، با خودم گفتم تا دیر نشده به دکتر ماجرا را بگویم که اگر صلاح دانست، برود مع آن مرد را بگیرد. دکتر انگار از همه چیز با خبر بود! ذهنم را خواند. انگشت گذاشت روی بینی اش که «هیس! بعد نسخه را به من داد و گفت: «مطمئن باش طرف پول لازم داشته که آمده سر وقت دخل ما! شاید یک روزی که وضعیت خوب شد، سر و کله اش پیدا شد و پول را برگرداند...» دیگر لازم نبود حرفی بزنم. نسخه را گرفتم و رفتم.»

بر گرفته از کتاب «فریاد در تاکستان؛ خاطرات زندگی دکتر شیخ،

- فتو شعر



- بریده کتاب

عاقبت بعضی نایغه ها!

بعضی وقت ها آدمی پیدا می شود که می خواهد چیز ناشناخته ای را به مردم شناساند و همیشه هم مردم به ریشش می خندند و حتی گاهی هم اتفاق می افتد که او را به زندان می اندازند و سرانجام پس از مرگ آن فرد است که مردم متوجه می شوند حق با او بوده. آن وقت مجسمه اش را می سازند و این همان کسی است که به او می گویند؛ نایغه. بر گرفته از کتاب «تستوی سبز انگشتی» اثر «موریس دنورون»

- حکایت

## شوق ادب آموختن باید این گونه باشد

«ابومعر بن العلاء» گوید: «مَنْدَر بن واصل(از بزرگان آن زمان) را گفتند که شوق تو به فرا گرفتن ادب چگونه است؟ گفت: «چون سخنی در آن باب می شنوم، دلم می خواهد که تمام اعضایم گوش شود تا آن چنان که گوشم تمتع می یابد، متمتع شوم.» پرسیدند که در طلب آن چگونه ای؟ گفت: «مانند مادری فرزند گم کرده که فرزند خود طلب کند که جز آن فرزندی ندارد.» پرسیدند که حرص تو بر ادب چون است؟ گفت: «مانند کسی که به جمع مال حرص باشد و مالی گزاف به دستش افتد.»

- اندک صبر

## محبوبه من فصل پاییز

پاییز؛ بانوی زیبای غم انگیز
من عاشق و دل داده تو
افسونگر رنگی دل انگیز
حال و هوایت ابر و باران
از هر درخت بر برگیزان
عاشق کنش زیبا، نفس گیر
محبوبه من فصل پاییز



جزیره دیدنی در فیلیپین معروف به جزیره «مار» که تنها در جزر و مد قابل مشاهده است، عکس روز نشنال جئوگرافیک

- دور دنیا

صدای وحشتناک پسری که سوت را قورت داد!



آدیتی سنترال/ یک پسر ۸ ساله در آرژانتین به طور اتفاقی وقتی مشغول بازی با اسباب بازی هایش بود، سوت کوچکی را که داخل اسباب بازی بود قورت داد! بعد از انتقال او به بیمارستان مشخص شد که این سوت فقط باید با جراحی از گلولی او خارج شود اما صدای جالب و البته وحشتناکی که او در هنگام نفس کشیدن داشت، باعث شد تا پزشکان قبل از عمل جراحی از او فیلمی بگیرند و آن را در فیس بوک منتشر کنند. صدای عجیب و غریب نفس کشیدن او، باعث شد تا این ویدئو پر بازدیدترین فیلم این هفته در آمریکا شود.

تزریق باکتری ۳ میلیون ساله برای جوان ماندن!



آدیتی سنترال/ یک هنرپیشه ۴۵ ساله آلمانی برای این که همیشه جوان بماند، حاضر شد به عنوان موش آزمایشگاهی اولین نفری باشد که یک باکتری سه میلیون ساله را برای جوان ماندن در بدنش تزریق کند! این باکتری سه و نیم میلیون ساله که در خرابه های باستانی سیبری یافت شده است، هیچ اثری از پیری سلول ها را نشان نمی دهد! این زن می گوید از وقتی این باکتری را تزریق کرده است، پوستش نرمیم شده و چین و چروک هایش از بین رفته است!

پیاده راه ۷۰۰ متری در ارتفاع ۴۵ متری جنگل!



دیلی میل/ شرکت معماری دانمارکی در یک جنگل محافظت شده در دانمارک مسیری برای پیاده روی و مشاهده طبیعت ساخته که در ارتفاع ۴۵ متری از سطح زمین قرار دارد و بسیار زیبا و پرطرفدار است. این مسیر پیاده روی ۷۰۰ متری به گونه ای طراحی

شده است که دسترسی به فراز جنگل را ممکن می سازد. جالب تر آن که مواد ساخت این مسیر از داخل جنگل انتخاب شده تا با محیط همخوان باشد. این مسیر پیاده روی به دو بخش بالا و پایین تقسیم می شود که بخش بالایی از میان قسمت های قدیمی جنگل می گذرد. از سوی دیگر برج و مسیر پاییینی در مناطق جوان تر جنگل واقع شده است. این سازه در کل چشم اندازی ۳۶۰ درجه از محیط فراهم می کند و گنجایش ۱۰ هزار نفر را دارد.

- ریشه ضرب المثل

سبیلش آویزان شد

در دوران سلاطین صفوی سبیل پریش و چتماقی رواج داشت و پادشاهان صفوی هم در ترویج آن نقش داشتند. به ویژه شاه عباس که خود او نیز همین گونه سبیل می گذاشت و درباریانی را که این گونه سبیل هایی برای خود در ست می کردند بیشتر به حضور می پذیرفت. اما هر قدر که تعداد حلقه ها و شفافیت سبیل کمتر جلوه می کرد، به همان نسبت علاقه شاه هم به آن فرد کمتر بود. در این بین بودند افرادی که سبیل آن ها کم پشت بود یا انعطاف نداشت و درست حالت نمی گرفت و گاهی اوقات آویزان می شد. این آویزان شدن سبیل ها دلیل بر بی مهری و بی توجهی مافوق فرد و به تبع آن فقر و بی پولی صاحب سبیل تلقی می شد تا آن جا که به صورت ضرب المثل درآمد که درباره افرادی که بی چیز باشند یا از طرف مقام بالاتری رانده شده باشند به کار می رود.

- زوم

مخاطبان گرامی، شما می‌توانید عکس‌های جالب‌تر را به ایمیل photo@khorasannews.com یا در تلگرام به شماره ۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵، بفرستید تا با نام خودتان چاپ کنیم.



خانه ای قدیمی در روستای کنگ

عکس: عادل یل

ذکر روز پنج شنبه  
 صد مرتبه  
 لا اله الا الله الملك الحق المبین  
 ذکر روز جمعه صد مرتبه سلوات

رونمایی از عروسک های بزرگ خیمه شب بازی برای یک نمایش خیابانی در ژنو سوئیس، عکس از گاردین



من نگویم که کتون با که نشین و چه بنوش  
 که تو خود دانسی اگر زیرک و عاقل باشی  
 چنگ در پرده همین می‌دهدت بند ولی  
 وعظمت آن گاه کند سود که قابل باشی

حافظ  
 غزل ۴۵۶



بقایای یک خانه، دو هفته بعد از توفان اخیر در سواحل دریای ماریا، عکس از رویترز

- داستانک

نگاه چپ‌چپ در اتوبوس!

وارد اتوبوس شدم، جایی برای نشستن نبود. همان جا روبه روی در، دستم را به میله گرفتم. پیرمردی با کتی کهنه، پشت به من، دستش را به ردیف آخر صندلی های آقابون گره کرده بود طوری که می توان گفـت تقریبا در قسمت خانم ها بود. خانم دیگری وارد اتوبوس شد. کتا دست من ایستاد. چپ

چپ نگاهی به پیرمرد انداخت، شروع کرد به غر زدن. - برای چی اومده تو قسمت زنونه! مگه مردونه جا نداره؟ این همه صندلی خالی! - خانم جان این طوری نگو، حتما نمی‌تونسته بره! - دستش کچه، نمی‌تونه بشینه یا پاش خم نمی‌شه؟ - خـب پیرمرده! شاید پاش درد می‌کنه نمی‌تونه بره بشینه! - آدم چشم داره می‌بینه! نگاه کن پاش تکون می‌خوره، این روزها حیا کجا رفته!؟

سکوت کردم، گفتم اگر همین طور ادامه دهم بازی را به بازار می‌کشاند. فقط خدا خدا می‌کردم پیرمرد صحبت‌ها را نشنیده باشد. بی خیال شدم، صورتم را طرف پنجره کردم تا بارش برف‌ها را تماشا کنم. به ایستگاه نزدیک می‌شدیم، پیرمرد می‌خواست پیاده شود. دستش را داخل جیبش برد. ۵۰ تومنی پاره ای را جلوی صورتم گرفت. گفت دخترم، این چند تومنی؟ بغض گلویم را گرفتم، پیرمرد نابینا بود. خانم بغل دست من خجالت زده سرش را پایین انداخت و سرخ شد.

بر گرفته از سایت «داستانک»

- کاریکلماتور



- ماوشما

شماره پیامک: ۳۰۰۰۹۹۹

❖ از خوابگاه رویایی دانشگاه «اکول نرمال سوپریور» در پرونده زندگی سلام نوشتید ولی در کشور خودمان دانشگاهی هست که زیباترین خوابگاه جهان را دارد. خوابگاه پسرانه نواب صفوی دانشگاه مازندران در فاصله چند متری ساحل دریا قرار دارد به طوری که در بلوک های یک و دو این خوابگاه می توانید در حالی که در تراس طبقه پایین نشسته اید پاتپان را در ساحل دریا قرار دهید. در بلوک های شش و هفت، می توانید در حالی که در بالکن طبقه دوم رو به ساحل نشسته اید از درختان نارنج که شاخه هایش به بالکن رسیده است نارنج پچینید و با چای میل کنید.

❖ کاش قیمت و آدرس بهترین کلاس های تئاتر رو هم می نوشتین. این طوری پرونده تون کامل تر می شد.

❖ تو صفحه سلامت نوشتین قهوه لاغر کننده است؟ من عمری است قهوه می خورم ولی وزم ۱۰۰ کیلوئه. نه تنها کم نمی شه که بیشتر هم شده!

❖ این چه سوالی هست که مشاوران خانم «امیری» از اون خانم ۲۷ ساله مجرد کرده در صفحه خانواده و مشاوره؟ گفته که به ظاهر خود توجه کافی دارید؟ علت این همه نابه سامانی خانواده ها همین به ظاهر خوددشون رسیدن خانم های شاغله. اگه خانم های شاغل در محل کار عادی ظاهر بشن این طلاق و بدبختی گر بیان گیر قشر جوان نمی شه. ❖ درود بر مدیر بخش زندگی سلام. در ستون فارسی بنویسیم شایسته است به جای واژه عربی «فارسی» از واژه ریشه دار «پارسی» استفاده کنید. با سپاس.

❖ پیامک آخرتان در ستون دیروز ما و شما با عنوان عبرت های عاشورا، بیت آخرش ناقص و نارسا و خالی از وزن است، چرا؟

❖ چرا هفته گذشته مسابقه «این کیه؟» را که این همه شرکت کننده و مخاطب دارد، چاپ نکردید.

❖ آق کمال؛ جایزه ات محفوظ به شرط این که لوزالمعده ات خندق بلا نباشد!

❖ زندگی سلام؛ چه خوب است در صفحات پر بار خویش یک ستون هم به آشنایی با گل ها، گیاهان و جانوران اختصاص دهی؟

❖ فرفره جون؛ امیدوارم همیشه چرخنده و گردنده باشی!

❖ می خواهم از همسر که خیلی برای زندگی مان زحمت می کشد، تشکر کنم و بگویم که چقدر دوستش دارم. مسودجان دوستت دارم.



اسکار زیباترین طراحی هم به این معمار تعلق می گیرد!

Like Comment



« بدتر از تنها بودن تو جمع غریبه ها می دونی چیه؟ بله، تنها بودن تو جمع آشناهایی که دیگه بهشون احساس تعلق نداری.

❖ کاش یک چیزی وجود داشت خوشمزه بود، هم شیرین، هم شکم پر کن، هم مفید، هم لاغر کن!

❖ این ها شفر رو آوردن برای استقلال که تیم های رقیب دلشون نیاد به استقلال گل بزنن، حرمت سن و سال رو نگه دارن!

❖ لباس بیرون رو پوشیدی باید سریع بری، بهونی بدن احساس می کنه اومدی و می خواد که بخوابه.

❖ چند ساعته خبری از برکناری حمید درخشان و جایگزین کردن کریمی منتشر نشده، دارم نگران می شم!

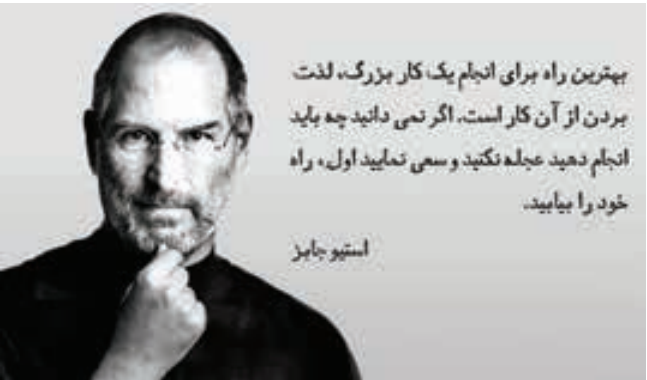
❖ دفتر ۹۹ هزار تومنی می خرین که چی؟ پول همون دفتر رو از تحصیل نمی تونی در بیاری!

❖ خوبی دکمه های فیزیکی موبایل این بود که دو دستی، بدون غلط و نگاه کردن بهش می شد تایپ کنی، بدی اش هم این بود تق تق صدا می داد، شب ها آدم رو رسوا می کرد.

Like Comment

- یادبود

نکاتی جالب درباره «استیو جابز» به مناسبت سالروز درگذشتش مسیر موفقیت سیب گاز زده!



«استیو پاول جابز» کارآفرین، مخترع، بنیان گذار و مدیر ارشد اجرایی شرکت رایانه ای اپل ویکی از چهره های پیش رو در صنعت رایانه بود. او در ۲۱ سالگی به همراه دوستش «استیو وزنیاک» ۲۶ ساله، شرکت اپل را تأسیس کرد. در سال ۱۹۸۵ به دنبال یک اختلاف مدیریتی، جابز اپل را ترک و در همان سال شرکت «نکست» را تأسیس کرد. در سال ۱۹۹۶ شرکت اپل، شرکت نکست را به مبلغ ۴۲۹ میلیون دلار خرید که با این معامله، استیو جابز دوباره به اپل بازگشت. جابز در سال ۱۹۸۶ یک گروه گرافیکی را از «لوکاس فیلم» خرید که این شرکت بعدها توسط خودش «پیکسار» نامیده شد و توانست فیلم‌های پویانمایی موفقی بسازد. در سال ۲۰۰۶ شرکت والت دیزنی، پیکسار را خرید که پس از این معامله، جابز به سهام‌دار اصلی والت دیزنی تبدیل شد و به عضویت هیئت مدیره آن درآمد. در اکتبر ۲۰۰۳، مشخص شد که جابز دوست داشتنی، سرطان دارد اما این بیماری او را از پای درنیاورد تا این که ۸ سال بعد یعنی در سال ۲۰۱۱، از سمت مدیرعاملی اپل استعفا کرد. استیو جابز در نهایت بر اثر عوارض ناشی از سرطان لوزالمعده، در تاریخ ۵ اکتبر ۲۰۱۱ در ۵۶ سالگی درگذشت.

**نکاتی جالب از زندگی شخصی «جابز»**

❖ استیو از پدری سوری و مادری آمریکایی به دنیا آمد. والدینش دو فارغ التحصیل دانشگاهی بودند که وی را به یک مرکز فرزندخواندگی سپردند. یکی از شروطی که والدین واقعی اش گذاشته بودند آن بود که توسط دو تحصیل کرده دانشگاهی به فرزندخواندگی گرفته شود! ❖ او یک ترم به دانشگاه رفت و پس از آن، دانشگاه را ترک کرد. شاید بتوان به این نتیجه رسید که برنامه ریزی رایانه ها، ساخت آن ها، اشتغال زایی، فیلم سازی، مدیریت و ... لزوما نیازمند رفتن به دانشگاه نیست.

❖ زمانی که از «جابز» سوال شد چرا نام شرکتش را اپل گذاشته است، جواب داد: «زیرا در دفترچه تلفن قبل از کلمه آتاری آمده است». جابز قبل از تأسیس اپل برای آتاری کار می کرد! ❖ او درباره لوگوی شرکت اپل و انتخاب این نام برای این شرکت گفته است: «سیب دوست دارم و مجبور بوده ام تا ساعت ۵ آن روز اسمی انتخاب کنم! بنابراین شد اپل!»

❖ جابز به عنوان ادای دین به دخترش و به خاطر علاقه اش به او، رایانه اپل ۳ را لیزا نامید.

❖ استیو جابز یک گیاه‌خوار و ماهی‌خوار بود. یعنی از بین گوشت‌ها، تنها گوشت ماهی می‌خورد و همهٔ غذاها را همراه با سبزیجات مصرف می‌کرد. در مقام مقایسه، افرادی که ماهی‌خوار هستند و به‌طور منظم در وعده‌های غذایی‌شان ماهی و سبزیجات وجود دارد، ۳۴ درصد کمتر دچار مرگ ناشی از بیماری قلبی می‌شوند.